دو فصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

پیوستگی عقل و جنسیت در آثار نواندیشان دینی و متفکران معاصر با رویکرد قرآنی؛ مطالعه موردی: دیدگاه نظیره زین‌الدین

ناهید طیبی[۱]

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر، بررسی و نقد دیدگاه‌های نظیره زین‌الدین درباره کمال عقل زنان و چالش‌های روش‌شناختی استدلال‌های وی در تقابل با سنت‌های دینی است. **روش** تحقیق از نوع توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر نقد محتوایی آثار السفور و الحجاب و الفتاة و الشیوخ با تمرکز بر استنادات قرآنی وی انجام شده است. **یافته‌ها** نشان می‌دهد زین‌الدین با تحلیل آیات مربوط به شهادت زنان، ادعای نقص عقل آنان را رد می‌نماید و برتری عقلی زنان را اثبات می‌کند. بااین‌حال وی در این مسیر، از روش‌مندی علمی فاصله گرفته و با انتخاب گزینشی مستندات و استفاده از ادبیات خطابی، دچار سوگیری شده است. **نتیجه‌گیری** بیانگر آن است که اگرچه تلاش وی در بازنگری دینی و ردّ نظریه نقص عقل زنان نوآورانه بود، اما فقدان روش علمی و برخورد سوگیرانه با منابع، موجب کاهش اقبال عمومی و عدم تداوم جریان‌سازی آثار او در میان جریان‌های فکری گردید.

واژگان کلیدی: عقل زنان، نظیره زین‌الدین، اندیشه‌های قرآنی، کتاب السفور و الحجاب، متفکران نواندیش.

۱. دکتری رشته تاریخ اهل‌بیت ﷺ، جامعة المصطفی ﷺ العالمیه و پژوهشگر جامعة الزهراء ﷺ، قم، ایران؛ tayyebi110@yahoo.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۴/۲۷.

۱. مقدمه

در هر عصری نواندیشان با فعالیت‌های علمی خود درصدد تغییر و اصلاح دیدگاه‌های سنتی هستند و راهکارهایی برای برون‌رفت از وضعیت موجود زمانه خویش ارائه می‌دهند. در دو سده اخیر در بین متفکران عرب، نواندیشان زیادی ظهور کرده‌اند که برخی از آنها جریان‌ساز بوده و موجب تأسیس نهضت‌هایی در منطقه‌ای خاص و حتی جهان اسلام شده‌اند. در تشخیص اینکه آغازگر این نواندیشی در جهان عرب چه کسی بوده و یا کدام بخش جغرافیایی مقدم بوده، اختلاف است؛ اما می‌توان گفت نواندیشی و نوفهمی دینی در جهان عرب معاصر، حرکتی اجتماعی است که دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذرانده است و مصر و لبنان از مهم‌ترین مناطق درگیر با این مسئله بوده‌اند.

پرداختن به این حرکت‌های اجتماعی و عاملان آن به لحاظ میزان تأثیر این نهضت‌ها، آرا و دیدگاه‌ها در دیگر مناطق جهان اسلام و ازجمله ایران نیز به این جهت که کانون تمرکز دیدگاه‌های تجددگرایانه به طور معمول مسائل یا موضوعاتی است که بخش مهم باورها و آموزه‌های دینی را نشانه می‌گیرد، ضرورت دارد. نظیره زین‌الدین ازجمله تجددگرایان قرن بیستم بود که در مورد زنان و به‌ویژه حجاب و بی‌حجابی دارای دو اثر است که در زمان انتشار بسیار جریان‌ساز شد و مخالفان و موافقان، نقدهای قابل‌توجهی بر آنها نگاشتند. گرچه پایه فعالیت وی بر مسئله حجاب بود، اما برای نخستین بار او بحث نقص عقل زنان را به طور مبسوط در فصل مقدماتی کتاب خویش، السفور و الحجاب مطرح کرده است.

در مقاله حاضر به سبب مغفول ماندن ادعا و ادله او در مورد عقل زنان و مردان، به این بخش از دیدگاه‌های وی پرداخته، و میزان جریان‌سازی دو اثر مهم او بررسی می‌شود. اکنون تقریباً یک قرن (از ۱۹۲۸ تا ۲۰۱۸ م) از زمان نگارش دو کتاب نظیره زین‌الدین می‌گذرد، اما پرداختن به ایده‌های او می‌تواند در تحلیل مسائل روز جهان اسلام در عصر حاضر، مفید باشد.

۲. پیشینه پژوهش

در موضوع عقل زنان از دیدگاه نظیره زین‌الدین پیشینه‌ای یافت نشد و مجموعه آثار مرتبط با وی باتوجه‌به کتاب السفور و الحجاب، به مسئله کشف حجاب و حجاب از نظرگاه او پرداخته‌اند.

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

در سال ۲۰۱۰م اثری با عنوان نظیره زین‌الدین پیشگام فمنیسم اسلامی[1] در لندن توسط مریام کوک نگاشته شد که کانون توجه این اثر نیز حجاب و نفی حجاب در شریعت بود. در این میان پردیس عامری و فریده حمیدی مقاله‌ای با عنوان «نسبت دیدگاه نواندیشان معاصر دینی با توسعه جنسیتی؛ تحلیل و مقایسه آرای قاسم امین و نظیره زین‌الدین درباره زنان» نگاشته‌اند که در آن در کمتر از یک صفحه، به موضوع نقص عقل زنان از دیدگاه نظیره، اشاره شده است. این مقاله که در آن، الگوی تحلیلی و مفهومی مناسبی برای جریان نواندیشی دینی در جامعه عرب ترسیم شده (ص ۲۲۸) در دوفصلنامه ادیان و عرفان (۱۳۹۵) انتشار یافته است که بخشی از آن در مقاله حاضر مورد استفاده قرار خواهد گرفت. همچنین در کتاب المدینه و الحجاب نوشته سلیم عبدالامیر حمدان، چاپ مطابع قوزیا در بیروت نیز به موضوع دفاعیه‌ها و ردیه‌های حجاب و نظیره زین‌الدین پرداخته شده و مانند دیگر آثار، بحث عقل زنان از نظر زین‌الدین، در آنها مغفول مانده است. در سال ۱۴۰۰ش مقاله «توصیف و تحلیل نظریات قرآنی نظیره زین‌الدین در مسئله حجاب» نگاشته مهرداد عباسی و همکاران در نشریه کتاب قیم چاپ شد که اگرچه متمرکز بر حجاب است، اما مطالب مفیدی در مورد آرای زین‌الدین دارد. کتاب صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، اثر محمد پزشکی (۱۳۸۹) نیز از منابع بحث خواهد بود. نویسنده در بخش دوم، به بررسی «مسائل زنان در نگاه دگراندیشان» پرداخته و در گفتار سوم، دیدگاه‌های تجددگرایان اسلامی ازجمله قاسم امین، نظیره زین‌الدین، الطاهر الحداد، محمد الشحرور، علی شریعتی و... را مطرح کرده است. به اعتقاد وی، باید دیدگاه زین‌الدین درباره حجاب را در دو سطح خُرد و کلان بررسی کرد؛ اول اینکه عدم پوشش، بیانگر آزادی زن است و دوم اینکه نماد رهایی ملت اسلامی از بردگی است (پزشکی، ۱۳۸۹، ص۱۸۶). مقاله کنفرانسی «بررسی مقایسه‌ای آرای بانو امین (۱۹۸۳م) و نظیره زین‌الدین (م۱۹۷۶) در مسئله تفاوت عقل زنان و مردان (دیدگاه فراجنسیتی و جنسیتی)» (۱۳۹۷) نوشته ناهید طیبی، نگارنده اثر پیش روی که در کنفرانس بین‌المللی بانو امین در مشهد، برگزیده و ارائه شد نیز به نگرش بانو مجتهده امین ﷺ درباره رابطه جنسیت و عقل و مقایسه آن با دیدگاه نظیره زین‌الدین پرداخته است.

1. cooke, Nazira Zeineddine: A Pioneer of Islamic Feminism.

وجه امتیاز اثر حاضر، نگاه قرآنی و میزان استفاده از آیات قرآن کریم در اثبات مدعای نظیره زین‌الدین است. افزون بر اینکه تمرکز مقاله پیشین بر بانو امین و تمرکز نوشتار حاضر بر زین‌الدین است. در همین زمینه، دو اثر دیگر به زبان انگلیسی در اوایل قرن ۲۱ انتشار یافته‌اند. اولی با عنوان Nazira Zeineddine: A Pioneer of Islamic Feminism نگاشته Cooke, Miriam در سال ۲۰۱۰م در لندن به چاپ رسید که به طور خاص به دیدگاه نظیره پرداخته است. همچنین کتاب Women in the Middle East: Past and Present. Princeton Keddie نگاشته Nikki چاپ‌شده توسط دانشگاه پرینستون در سال ۲۰۱۲م که به رویکردهای شرقی و متفکران شرقی در مورد زن پرداخته است و پیشینه بحث به شمار می‌روند. نکته حائز اهمیت اینکه زین‌الدین در کتابش که در رد حجاب نگاشته، یک فصل طولانی را به نقص عقل مردان و کمال عقل زنان پرداخته و از این بحث به‌عنوان پایه‌ای برای تحمیل حجاب به زنان استفاده کرده است. بنابراین، فارغ از اثبات یا ردّ استدلال‌ها، مبحث عقل زنان از دیدگاه وی اهمیت دارد که تاکنون بررسی نشده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق نوشتار حاضر از نوع توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر نقد محتوایی آثار السفور و الحجاب و الفتاة و الشیوخ با تمرکز بر استنادات قرآنی نظیره زین‌الدین انجام شده است.

۴. یافته‌ها و بحث

۴ـ۱. شخصیت و دیدگاه‌های شاخص نظیره زین‌الدین

۴ـ۱ـ۱. شخصیت نظیره زین‌الدین

نظیره فرزند سعید زین‌الدین، نویسنده مسلمان لبنانی و از افراد شاخص در میان قضات و رئیس محکمه استیناف در بیروت بود. نظیره در سال ۱۹۰۸م/۱۳۲۶ق در آستانه (واقع در استانبول) به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۳۵م در ۲۷ سالگی با شفیق الحلبی ازدواج کرد و صاحب سه فرزند شد. دو کتاب السفور والحجاب و الفتاة والشیوخ از آثار اوست که به سبب شرایط زمان نگارش و موضوع و ایده‌های خاص فمنیستی او، در جامعه عرب معاصر وی جریان‌ساز شدند. وی در جمعیت ادبی عربی به ریاست «تقی‌الدین الصلح» که شرط ورود بانوان و دوشیزگان در جلسات آن بی‌حجابی

بـود، وارد شـد و تـلاش زیـادی در جنبش زنان و به طور خاص، کشـف حجاب در بیروت داشـت. همچنین «اتحاد زنان عربی» که تأثیر فراوانی در نهضت زنان عرب داشت، از جمله فعالیت‌های وی بود (جردی نویهض، ۱۹۸۶، ص۹۴ـ۹۷).

نظیـره زین‌الدیـن بـه لحـاظ اعتقـادی، از دُروزی‌هـای لبنـان بود.[۱] بـه نظر می‌رسـد جایگاه زن در تعالیـم دروزی در شـکل‌گیری شـخصیت وی تأثیرگـذار بـوده اسـت. به‌عنوان‌نمونه، اصل برابری زن دروزی با شوهر و اینکه مرد باید در امور مادی و معنوی، مانند شریکی مساوی خود، با همسرش رفتار کند و یا اعتقاد به عدم تعدد زوجات، عدم جواز رجوع به مطلّق و جایز بودن طلاق توسط زن (ر.ک:نجلا، ۱۳۷۲، ص۳۴۳)، می‌توانست موجب تقویت روحیه زنان در این شاخه از فرقه شـیعی شـود و حسّ درخواسـت تسـاوی در حقوق را در آنان برانگیزاند. گفته شده است تلفیقی از تعلیمات مذهبی و اصول دروزی که عنصر حاکم بر جبل بود، به زنان همان حسّ اعتمادبه‌نفسی بخشـیده اسـت که مردان از آن برخوردارند. این اتفاقی نیسـت که زنان برجسـته جامعه لبنان از دروزیان باشـند؛ زنانی مانند سـتّ سـارا، ستّ حبوس ارسـلان، نظیره جنبلاط و... (همان). باوجود تفاوت‌های قابل‌توجه، تشابهاتی بین آموزه‌ها و تعالیم دروزیان و شیعیان وجود دارد (زیدان اتاشی، ۱۳۸۲، ص۳۵). شـاید ازاین‌روسـت کـه در ارجاعـات نظیـره زین‌الدین در هر دو کتـاب وی، با منابع شیعی زیادی مواجه می‌شویم. وی سرانجام در سال ۱۹۷۶م در ۶۸ سالگی در بیروت از دنیا رفت. برخـی معتقدنـد ویژگی شـاخص در آثـار نظیره زین‌الدیـن، دعوت به بازخوانی دیـن و فهمی نو از دین بوده است (عامری، ۱۳۹۵، ص۲۲۴).

۲ـ۱ـ۴. دیدگاه‌های شاخص نظیره زین‌الدین

نظیره زین‌الدین برای طرح دیدگاه‌های خویش، از تفاسیر شیعی و اهل تسنن مانند مجمع البیان طبرسی، انوار التنزیل بیضاوی، لباب التأویل خازن و مدارک التنزیل نَسفی استفاده نموده است.

۱. دروزیّه فرقه‌ای مذهبی از مهم‌ترین انشـعابات اسـماعیلیه اسـت که در نیمه اول سده پنجم هجری، بر مبنای اعتقاد به الوهیت الحاکـم بامـرالله، ششـمین خلیفه فاطمی شـکل گرفت. دروزیان خـود را موحدون می‌نامند (خطیـب، ۱۹۸۹، ص۱۶۷ و ایمانی، ۱۳۸۰، ص۵۶۰ـ۵۶۲). بـه لحـاظ جغرافیایـی، دُروزی‌هـا امـروزه غالباً در مناطقی از سـوریه، لبنان و فلسـطین سـاکنند و هرکدام رهبری مستقل دارند. کمال جنبلاط، مؤسس حزب سیاسی الحزب التقدمی الاشتراکی (حزب سوسیالیست ترقی‌خواه) و ولید جنبلاط، از رهبران سیاسی دروزیان لبنان هستند (زیدان اتاشی، ۱۳۸۲، ص۳۵).

برخی معتقدند قرآن‌گرایی زین‌الدین بازتاب نگاه وی به شریعت است و شریعت از نگاه او، نصّ صریح قرآن و سنت پیامبرﷺ است. البته وی این قرآن‌گرایی و پرهیز از تفسیر مفسران را از شیخ محمد عبده، اندیشمند مصری، الگو گرفته است (عباسی و دیگران، ۱۴۰۰، ص۱۵۶ـ۱۵۷). به نظر وی، مفسران و فقها به روح کلام و معانی در قرآن کمتر توجه داشته و صرفاً اقوال متناقض را نقل کرده‌اند؛ چنان‌که در تفسیر ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾، با اقوال متعارض، پیچیدگی آن را افزوده‌اند (زین‌الدین، ۱۹۲۸، ص۱۸۱ـ۱۸۲). موضوعات مهم و محوری در آثار نظیره زین‌الدین عبارت‌اند از:

۱ـ۲ـ۱ـ۴. ردّ حجاب

نظیره زین‌الدین در کتاب السفور و الحجاب که باتوجه‌به تقدم واژه «السفور» بر «الحجاب» در عنوان، موضع ضد حجاب خویش را به رخ می‌کشاند، از بی‌حجابی به‌عنوان حق شرعی و عقلی زن بحث کرده و معتقد است حجاب موجب ناتوانی نصف امت اسلامی (=زنان) و مانع پیشرفت تدریجی آنان است. به اعتقاد وی باید گام‌به‌گام به‌سوی پیشرفت حرکت کرد و اولین پله این نردبان ترقی، بی‌حجابی است (همان، ۱۹۲۸، ص۳۲ـ۳۳). او معتقد است امت با حجاب نمی‌تواند اسرار طبیعت را کشف نماید و با اراده خود چیزی را تسخیر کند (همان، ص۱۰۹). وی بین بی‌حجابی زنان غرب و پیشرفته و متمدن بودن آنان رابطه مستقیم برقرار کرده و معتقد است یکی از دلایل عقب‌ماندگی جهان اسلام، حجاب زنان است. گرچه ممکن است از این جمله وی برداشت شود که مراد او از آزادی زنان و بی‌حجابی، هرزگی و برهنگی و افسارگسیختگی نیست، و او می‌خواهد راه را برای شکوفایی روح و روان زن و بروز استعدادهای علمی فرهنگی او بگشاید، اما در عمل چنین اتفاقی نخواهد افتاد؛ زیرا ملازمه‌ای بین بی‌حجابی و تمدن وجود ندارد. ادعاهای نظیره درباره حجاب، در کتب و مقالات متعددی مورد بحث قرار گرفته و پاسخ داده شده‌اند که به سبب پرهیز از استطراد، از آن می‌گذریم.

۲ـ۲ـ۱ـ۴. برتری عقل و دین زنان بر مردان

خاستگاه مباحث مربوط به حجاب و کشف حجاب در کتاب السفور و الحجاب، به‌نوعی در دیدگاه‌های محمد عبده و قاسم امین مطرح شده بود، اما جدیدترین مطلب نظیره زین‌الدین

در کتاب یادشده در ارتباط با تفاوت عقل زن و مرد و ادعای برتری عقل زن نسبت به مرد دیده می‌شود. وی نقص عقل و دین زن را که با تعبیر «النِّسَاءُ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ، نَوَاقِصُ الْحُظُوظِ» (نهج البلاغه، خطبه ۸۰) و «تَحْكِيمِ النِّسَاءِ النَّوَاقِصِ الْعُقُولِ وَ الْحُظُوظِ» در نامه امام علی علیه‌السلام در منابع روایی و تاریخی (ر.ک؛ شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص۳۷۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص۱۷۶ و طبری، ۱۴۱۵، ص۴۱۹) وجود دارد، اما در منابع پیش از آنها در قرن سوم مانند الغارات (ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص۳۱۰) و الامامه و السیاسه (ابن‌قتیبة دینوری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص۱۵۴ـ ۱۵۹) اثری از آن نیست، رد می‌کند. زین‌الدین، نقص عقل زنان را یک اتهام دانسته و اینکه زن منشأ شر است را رد می‌کند (زین‌الدین، ۱۹۲۸، ص۸۱).

با اندکی دقت می‌توان دریافت دلیل طرح بحث و ردّ «نقص عقل زنان» و «شر بودن زنان» نشانگر توجه ویژه وی به منابع شیعی است؛ زیرا نه در تجددگرایان پیش از نظیره زین‌الدین مطرح بوده و نه پس از او به طور جدی پی گرفته شده است. پیش از این بیان شد که مذهب زین‌الدین، دُروزی، شاخه‌ای از فرق شیعی (اسماعیلیه) است و بنابراین طبیعی است که این بحث را مطرح نماید و آن را رد کند. او در ابتدا کمال دینی زن را بر مرد مسلم می‌پندارد و سپس کمال عقلی زن نسبت به مرد را حقیقتی می‌انگارد که همانند نظریه گالیله (گردش زمین پیرامون خورشید) در ابتدا بحث‌برانگیز و در پایان حاکم خواهد شد (همان، ص۸۳). وی می‌نویسد: «اگر به جهان بی‌حجابِ متمدن بنگریم که در آن عقل به‌جای قدرت (غلبه)، و آزادی به‌جای بردگی، و دانش به‌جای نادانی، و اهتمام به آرایش روح به‌جای اهتمام به آرایش تن نشسته است، زنی جدید سر برآورده که به گفته مصلح بزرگ، قاسم امین، برابر مرد و شریک همسر و مربی فرزندان و مهذب نوع بشر است. اما شما، زنان خود را ناقص عقل و ناقص دین می‌دانید و روحشان را به اهمال وا نهاده‌اید و جسمشان را لعبت و آراینده هوا و هوس خود خواسته‌اید». ازآنجاکه محور اصلی مقاله، ادعای نظیره زین‌الدین درباره عقل زنان است، در بخش پایانی نوشتار به طور مبسوط به این بحث پرداخته می‌شود.

۳ـ۲ـ۱ـ۴. تقدم زنان در فهم و تفسیر آیات اختصاصی مربوط به آنان

به اعتقاد نظیره زین‌الدین، زنان در تفسیر آیاتی که مربوط به جایگاه و حقوق آنان است، بهتر و سزاوارتر از مردان هستند؛ زیرا فهم این موارد برای زنان واجب است و حق آنان به شمار می‌رود و

بر اساس «صاحب الحق و الواجب اهدی الیهما من غیره سبیلا» زنان باید مسائل و موضوعات زنان در قرآن را تفسیر کنند (همان، ۱۹۲۹، ص۳۶۴). البته فهم قرآن و حقایق پیرامون آن، جنسیت‌بردار نیست و تنها کسانی شایستگی فهم عمیق قرآن را دارند که ابزار فهم را داشته باشند؛ اعم از زن و مرد. لازم به ذکر است بانو امین، ملقب به بانوی ایرانی، کلّ قرآن را در پانزده جلد تفسیر کرد و از شیوه‌های متفاوت و تلفیقی برای تفسیر آیات بهره برد، اما هرگز چنین ادعایی نداشت.

۲ـ۴. ادعای برتری عقل زنان بر مردان و ادله نظیره زین‌الدین

نظیره زین‌الدین ادعای برتری عقل زنان بر مردان را در قسم اول کتاب السفور و الحجاب به‌عنوان بحث پایه‌ای مطرح کرده است. به عبارتی او معتقد است تا زمانی که کمال و برتری عقل زنان مورد پذیرش قرار نگیرد نمی‌توان دیگر احکام و حقوق آنان را مطرح کرد و اگر هم مطالبات از ناحیه خود زنان مطرح شود به سبب باور اشتباه ناقص‌العقل بودن، زمینه‌ای برای پذیرش آن نیست. او باتوجه‌به باور عمومی علما و مردم مسلمان که روایات مربوط به نقص عقل زنان را قبول و یا تلقی به قبول کرده‌اند، وارد بحث می‌شود و با ادعای جدید خود، جامعه علمی مسلمانان را به شگفتی وامی‌دارد. پیش از وی در مورد یکسانی عقل زن و مرد مباحثاتی شده بود، ولی برتری عقل زن بر مرد، ادعایی نو بود. نکته قابل تأمل اینکه نظیره زین‌الدین در نامه‌ای که به مفوض السامی می‌نویسد و همراه با نسخه‌ای از کتاب السفور و الحجاب برای او می‌فرستد، در بند سوم از هفده بند مندرج در نامه، به عقل زنان اشاره می‌کند و می‌نویسد: «الرجال لیسوا باکمل من النساء عقلا و لا دینا و لیسوا احق بالحریة منهن» (زین‌الدین، ۱۹۲۹، ص۱۰۱ـ۱۰۲). در این بند، هیچ نشانی از برتری عقل زن بر مرد دیده نمی‌شود و تنها به عدم برتری عقل مردان بر زنان تأکید شده و بحث از تساوی است؛ درحالی‌که در کتاب السفور و الحجاب بر این برتری تصریح شده است.

۱ـ۲ـ۴. خاستگاه نقص عقل زنان از دیدگاه نظیره زین‌الدین

نظیره زین‌الدین، خاستگاه عقیده نقص عقل زنان را در موارد زیر می‌داند:

ـ غلبه مردان بر زنان و به بردگی گرفتن آنان: مرد به مدد قدرت جسمانی خود بر زن چیره

شده و او را به بردگی گرفته و از به‌کارگیری قوای حیوانی و ناطقه بازداشته و راه‌های عقلش را بسته است. این وضع، منجر به تفاوتی بین زن و مرد در ابراز آثار عقل شده است، درست همان گونه که برده‌دار غالب با برده مغلوب در ابراز آن متفاوتند. درنتیجه، کوتاه‌نظران گمان برده‌اند آنچه محصول این وضع است، مقتضای فطرت است؛ درحالی‌که اگر حقایق را بکاوند درمی‌یابند که این حالت، معلول علتی است که عارض شده و آن چیرگی مرد بر زن و پیروی او از هوس و به بردگی کشیدن از زن است... مرد از دوران دور، آزاد و برده‌کش زن بوده و زن به بردگی گرفته می‌شده است» (همان، ۱۹۲۸، ص۷۰ـ۱۰۴).

ـ پذیرش بردگی و نقص زنان، توسط خود زنان بود و آنان به این امر رضایت داشتند.

ـ علما، فقها و مفسران آیات و روایات که در طول تاریخ به طور معمول مردان بوده‌اند.

ـ مردان سدّی بر سر راه عقل زنان بسته و آنان را در محیطی پوشیده از ذلت و جهالت قرار دادند و به سبب همین نقص علم بود که عقل زنان نیز ناقص شد و از دیدن حقایق محروم شدند و طبیعتاً نقص دینی هم به دنبال جهل می‌آید (همان، ص۱۳۶).

۲ـ۲ـ۴.طرح ادعا

نظیره زین‌الدین در قسم اول کتاب السفور و الحجاب، مسئله نقص عقل زنان را مطرح و با ارائه ادله‌ای ادعای برتری عقل زنان بر مردان را اثبات می‌کند تا در قسم دوم به ادله عقلی بر بی‌حجابی و رهایی زنان و تجدد و پیشرفت در سایه بی‌حجابی بپردازد. وی ابتدا ملازمه دین و عقل را اثبات می‌کند و عقل را شرع درونی می‌داند و شرع را عقل بیرونی (همان، ص۷۹). سپس کامل‌تر نبودن مرد نسبت به زن در دین و ایمان را با ذکر مثال‌ها و مصادیقی مطرح می‌کند (همان، ص۷۷) تا اینکه به‌عنوان اصلیِ بحث که دربردارنده ادعای اوست می‌رسد و عنوان «المرأة اصلح من الرجل فی الفطرة عقلا، هو یرجحها بالقوة الجسدیه و هی ترجحه بالنفس العاقلة المرضیة» را برای این بخش برمی‌گزیند. وی ذیل عنوان مذکور، نه ریزموضوع مرتبط با همان بحث ارجحیت عقل زنان بر مردان می‌آورد (همان، ص۸۳) که عناوین فرعی «دختران شایسته‌تر از پسران هستند» (همان، ص۸۷)، «مردان در قدیم چگونه عمل می‌کردند» و «بقیه آیات و احادیث رسول درباره کمال عقل زن» (همان، ص۱۰۱ـ۱۰۴)، ازجمله زیرعنوان‌های فصل اول کتاب اوست.

به اعتقاد او، مصلحت و شرافت امت اسلامی بر این نیست که نیمی از آن امت، عقل و دینشان ناقص باشد. مصلحت نیست که یک مرد، مادر، دختر، خواهر و همسرش را ناقص بخواند. کسی نمی‌تواند زن را از نور روحانی (عقل) محروم بدارد. وی روایاتی مانند «اتقوا فراسة المؤمن» و «الحجة فیما بین العباد و بین الله العقل» را مطرح می‌کند و می‌پرسد: چرا زنان را از این نور و حجت محروم می‌دارید؟ مردان، خود قوانینی تنظیم کردند و زنان هیچ مشارکتی در این قانونگذاری نداشتند و مردان برای نیل به اهداف خود آنچه را می‌خواستند و به نفعشان بود گفتند و عمل کردند (همان، ص۸۷). او فهرستی بلند از خطاهای مردان که مخالف دین است، از ربا، تراشیدن ریش، غنا، تشبیب، تغزل و... را برمی‌شمرد و سپس می‌نویسد: «به امت اسلامی بنگرید که تا زمانی که عقل‌ها آزاد و رها بودند به چه درجه‌ای از بزرگی و عظمت رسید. ولی زمانی که بر عقل و فکر زنجیر افکنده شد و عقل و فکر، از آزادی در اجتهاد و اندیشه در کتاب خدا و سنت رسول خدا و دستیابی به خیر و صلاح خود محروم شد، چگونه به جمود و قهقرا کشیده شد. حالِ زنان نیز چنین است. مرد او را به بردگی کشیده و آزادی‌اش را سلب کرده و درنتیجه، او گرفتار این وضع کشنده جهالت شده است. اما در جهان پیشرفته که زن آزادی‌اش را کسب کرده، توانسته است هم‌دوش مرد و بلکه پیشتر از او گام بردارد. چه بسیار زنان مکتشف و مخترعی که در میادین ذهنی و عقلی با مردان مسابقه می‌دهند» (همان، ص۸۷ـ۸۸).

نظیره ادعای خویش را پس از مقدمات و زمینه‌های فوق در پاسخ به شبهه نقصان عقل و دین زنان چنین مطرح می‌کند: «مرد بر زن به لحاظ فطرت کامل‌تر نیست؛ بلکه زن از مرد در فطرت شایسته‌تر است؛ لذا مرد مسلمان از زن مسلمان به لحاظ دینی نمی‌تواند کامل‌تر باشد».

۳ـ۲ـ۴. استدلال‌ها

استدلال‌های نظیره زین‌الدین که بدون طبقه‌بندی منطقی در کتاب وی مطرح شده است را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

ـ آیات ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (نساء:۱) و ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف:۱۸۹) که نشانگر تساوی جوهره خلقت است و یکسانی اصل تکلیف و همچنین درجه عقاب اخروی

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

برای مرد و زن، دلیل بر تساوی عقل آنان است؛ چراکه عقل، مناط تکلیف است (زین‌الدین، ۱۹۲۸، ص۸۷). البته وی در صفحات بعدی کتاب السفور و الحجاب این تساوی را نادیده انگاشته و ترازو را به‌سوی زنان سنگین‌تر کرده و بر ترجیح عقل زن بر مرد نظر داده است (همان، ص۱۰).

ـ ازآنجاکه دختران زودتر از پسران به تکلیف می‌رسند، زنان در امور دینی و شرعی کمتر از مردان مخالفت می‌کنند، پس عقل آنان برتر از مردان است.

ـ آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى ـ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ـ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ (حجرات:۱۳) و روایت پیامبر ﷺ که فرمود: «خذوا نصف دینکم عن هذه الحمیرا»، برتری عقل مرد بر زن را به چالش می‌کشد؛ زیرا ملاک برتری تقوا است و مردان امر شده‌اند به اینکه نصف دین خود را از یک زن، یعنی عایشه بگیرند (زین‌الدین، ۱۹۲۹، ص۸۱). نویسنده بقیه آیات و روایات را در پایان فصل می‌آورد و در آن به شکل گزینشی مواردی را برای اثبات برتری عقل زنان ارائه می‌کند.

ـ مرد به سبب توان بدنی، بر زن برتری می‌جوید. ازاین‌رو وی را به بردگی می‌کشد و راه‌های عقل او را می‌بندد و این امر منجر به تفاوت میان مرد و زن در ارائه آثار عقل آنها می‌شود؛ همان گونه که میان هر سلطه‌گر غالب و مغلوب چنین است.

ـ در تمام احکام و مواردی که طرح می‌شود، ازجمله ارث و شهادت که زنان را در موقعیت نابرابر قرار می‌دهد، باید شک کرد.

ـ وضع احکامی همچون میزان سهم ارث زن، اعتبار قضایی شهادت وی، و ازدواج مجدد و حق طلاق برای مردان توسط اسلام، حجتی بر ضد مردان است نه به نفع آنان؛ زیرا این اجازه الهی، جز قساوت قلب مرد و دشواری اعتراف به حق و عدالت نزد او و فساد اخلاقش به دلیل عادت به رسوم جاهلی را نمی‌رساند.

ـ تفاوت‌های جنسیتی و زیست شناسی همواره در طول تاریخ موجب شده است که زنان به موجوداتی تحت سلطه تبدیل و از حقوق برابر انسانی محروم شوند؛ درحالی‌که همین تفاوت‌ها اثبات‌کننده برتری اوست. برخی از تفاوت‌هایی که وی به آنها اشاره می‌کند و آنها را دلیل برتری عقل زنان بر مردان می‌داند، عبارت‌اند از:

اول: نر و ماده هرگونه حیوانی را که در نظر بگیرید متوجه می‌شوید که نر به لحاظ جسمی از ماده قوی‌تر است، ولی ماده به لحاظ غریزی از مرد شایسته‌تر است. گویی که خدای سبحان خواسته تا عدالت خویش را آشکار کند که به نر بهره بیشتری از قدرت جسمی داده است و به ماده بهره بیشتر از شایستگی غریزی. همچنین گویی خواسته است با ناچار داشتن نر و ماده به شرکت و مشارکت باهم و مکمل یکدیگر قرار دادن آنها، حکمت خویش را ابراز کند. یکی از حکمت دیگری، و دیگری نیز از قدرت آن دیگر بهره می‌برد. آری خداوند تعالی جنس ماده حیوانات را در بعد غریزی، شایسته‌تر و استوارتر از جنس نر قرار داده است و اگر چنین نمی‌بود خداوند پرندگان ماده را به ساختن لانه موظف نمی‌کرد و روشن است که ساختن لانه دقت زیادی نیاز دارد که جز از راه حکمت و عقل به سامان نمی‌رسد. اگر شایستگی غریزی ماده نسبت به نر نمی‌بود، خدا جنس ماده را به تربیت و حفظ بچه‌هایش موظف نمی‌کرد. «این وظایف مقتضی آن است که بهره ماده از عقل بیش از نر باشد». این امور از خصایص عقلی حیوانی است که به نام «غریزه» شناخته شده است. اما پرندگان نر به دقت و توجه و حکمتی که مستلزم وظایف ماده است، موظف نشده‌اند. پرنده نر تنها به وظایفی مانند جمع‌آوری خار و خاشاک برای ساختن لانه و آوردن غذا برای بچه‌هایش که متناسب با قدرت جسمی اوست، موظف شده است. این حالتی ثابت در روح هر حیوانی است و قاعده‌ای است طبیعی و عام و تغییرناپذیر و استثناناپذیر که به‌عنوان مقدمه قیاس ما قرار می‌گیرد و از آن می‌توان نتیجه گرفت که «روح ناطقه یا عقل به لحاظ فطری در زن رجحان دارد»؛ چنان‌که قدرت جسمی مرد بیشتر است. اگر چنین نمی‌بود، خدا تکلیف جهاد اصغر (جنگ) را که مقتضی قدرت جسمی بیش از قدرت عقلی دارد، ویژه مردان قرار نمی‌داد و تکلیف پرورش و تربیت فرزندان را که بیش از قدرت جسمی، قدرت روحی و عقلی را می‌طلبد به زنان اختصاص نمی‌داد، با اینکه خدای سبحان در غیر این امور، تکالیف دیگری نیز قرار داده است که در آن تکالیف، فرقی بین زن و مرد نیست. نعمتی که خدا به مرد بخشیده و آن قدرت جسمی است، نعمتی محسوس و دیدنی است. پس شک نیست که او نعمت عقلی و روحی را در برابر نعمت جسمی مرد، به زن بخشیده است (همان، ۱۹۲۸، ص۸۶ـ۸۷).

دوم: در بیشتر موارد، پسران با دختران متفاوتند. پسران معمولاً گره می‌بندند و دختران گره

می‌گشایند. اینان اوضاع را تیره می‌کنند و آنان شادی می‌بخشند. اینان خسته می‌کنند و آنان آرامش می‌بخشند. اینان تباه می‌کنند و آنان اصلاح. اینان سر می‌پیچند و آنان اطاعت می‌ورزند. اینان ضرر می‌رسانند و آنان سود. اینان زندگی را به بازی گرفته‌اند و آنان به جدیت. اینان محیط را کثیف می‌کنند و آنان تمیز. اینان پرده‌دری می‌کنند و آنان حیا می‌ورزند. چندان که با تأسف در میان عرب این مثل رواج یافت که «وقاحة الوجه سلاح الفتی؛ وقاحت، سلاح جوانمرد است» و پدران و مادران می‌گوید: «دختران را برای آنچه که اکنون هستند دوستشان داریم و پسران را برای آنچه که در آینده خواهند شد». پس در اعمال این دو جنس درنگ کنید و داوری کنید که کدام‌یک شایستگی فطری و عقلی بیشتری دارند؟ (همان، ص۸۸).

سوم: سن تکلیف دختر و پسر و اینکه دختر در نه سالگی و پسر در دوازده سالگی (همان، ۱۹۲۹، ص۱۰۴) مکلف می‌شود، دلیل بر برتری عقل دختر است. وی می‌نویسد: ای مرد! آیا ندانسته‌ای که خدای بزرگ زن را در سن نه سالگی به تکالیف شرعی مکلف گردانیده، ولی مرد را حداقل در سن دوازده سالگی و بلکه بالاتر مکلف کرده است؟ آیا این خود دلیل آن نیست که عقل زن زودتر از عقل مرد کمال می‌یابد؟ لازم به ذکر است که این مطلب، متناسب با احکام فقهی فرقه دُروزیه است و تمام فرق اسلامی بر این حکم اتفاق ندارند.

۳ـ۴. ارتباط نقص عقل با نابرابری زن و مرد در شهادت ازنظر نظیره زین‌الدین

۱ـ۳ـ۴. دلایل نظیره زین‌الدین

وی درباره اینکه برابری دو زن با یک مرد در شهادت دادن، دلیل بر نقصان عقل زن نیست، دلایلی را بیان می‌کند؛ ازجمله معتقد است اگر امر چنین باشد، شهادت مرد غیرمسلمان هم که درباره مسلمان پذیرفته نیست باید دلیل بر نقصان عقل مرد غیرمسلمان می‌بود؛ درحالی‌که این امر دلیلی بر نقصان عقل مرد غیرمسلمان دانسته نمی‌شود. درحقیقت شهادت دادن چیزی نیست جز تکلیفی که شاهد را به زحمت و سختی می‌اندازد. گویی که خدا از سویی خواسته است تا به دل مرد اطمینان ببخشد و در همان حال از سختی این تکلیف بر زن بکاهد. وی می‌گوید: آیا به شمار آمدن شهادت زن به‌عنوان نیمی از شهادت مرد باتوجه‌به نتیجه آن، جز نوعی لطف خدا و نوازش او نسبت به مرد است که او آن را امتیاز خود بداند و دلش به آن آرام گیرد؟ (همان، ۱۹۲۸، ص۸۰).

وی در ادامه دلایل بیان می‌کند که برایند این امر، گویی وا داشتن مردم بر به شهادت گرفتن مردان در امور غیرمختص به زنان است، ولی اگر موضوع شهادت از امور ویژه زنان باشد، شهادتشان تمام است. همچنین به اعتقاد وی، حکمت الهی اقتضای این را داشته است که اثری از عادات بد [عصر جاهلی] را برای آرام‌بخشی دل اصحاب آن باقی بگذارد، اما در کتابش آیاتی نازل کرده و پیامبرﷺ در احادیث خود بیّناتی آورده است که آسیب‌های بقای این عادات را از بین می‌برد و از میزان تأثیر منفی آن می‌کاهد و به‌تدریج آن را به حالتی مقبول درمی‌آورد، و خداوند بزرگ، دانا بود به اینکه صاحبان خرد در مسیر زمان به پیروی از حکمت نهفته در این آیات و احادیث، این عادات و سنت‌های غلط را کاملاً محو می‌کنند؛ زیرا این حکمت‌ها از چشم صاحبان خرد مخفی نخواهد ماند. مانند اینکه خداوند در عین مباح شمردن برده‌داری، به آزاد کردن بندگان تشویق می‌کند و یا با پرهیز دادن از چندهمسری، به از بین بردن همه تفاوت‌ها در حقوق زن و مرد ترغیب می‌نماید.

به نظر زین‌الدین، نابرابری زن و مرد در شهادت، ربطی به عقل و دین زن ندارد. آیا نابرابری مرد بَرده با مرد آزاد در شهادت، ناشی از نقصان عقل و دین بَرده است تا نابرابری زن با مرد در امور یادشده ناشی از نقصان عقل و دین زن باشد؟!

درحقیقت، وی ناقص‌العقل دانستن زنان را حرکتی از ناحیه مردان دانسته که برای بهره‌کشی از آنان و به جهت ارضای هوا و هوس خویش صورت گرفته است. این ادعا را با همین قاعده می‌توان در آثار و گفتار فمینیسم‌های غربی یافت (ر.ک:همان، ص۷۰ـ۱۰۴).

۲ـ۳ـ۴.نقد دیدگاه‌های نظیره زین‌الدین

نقد دیدگاه‌های نظیره زین‌الدین، بیشتر متوجه مسئله حجاب است و کمتر به نظر او درباره عقل پرداخته شده است. بااین‌حال برخی معتقدند وی به تفاوت‌های جوهری بنیانی که در دو جنس زن و مرد به لحاظ فکری و روانی وجود دارد بی‌توجه بوده و تلاش بسیاری برای رد نگرش‌های سنتی داشته است و تا جایی پیش می‌رود که سن تکلیف زنان را دلیل بر زودتر کامل شدن عقل آنان نسبت به مردان می‌داند (عباسی و دیگران، ۱۴۰۰، ص۱۶۳). برخی دیگر نیز دیدگاه‌های متناقض را به‌عنوان نقد نظر وی مطرح کرده‌اند (جوهری، ۲۰۰۷، ص۱۷۸).

دو فصلنامه علمی تخصصی، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۵

۱ـ۲ـ۳ـ۴. اشکالات روشی

ـ در نگارش کتاب السفور و الحجاب، نوسانات قلمی بسیار دیده می‌شود که آن را از یکدستی و وحدت رویّه در بیان دور ساخته است. نویسنده گاه با استدلالات و به شیوه علمی و نوشتاری با مخاطب بحث می‌کند و گاه به شیوه گفتاری و خطابی و غیرعلمی، که آمیخته با تعصب نسبت به ادعای اوست.

ـ استفاده زیاد از استفهام، تعجب، استعطاف و استشهاد به اقوال دیگران به‌گونه‌ای که منجر به درازنویسی شده و اثر را از شکل علمی و پژوهشی خارج کرده و به اثری خطابه‌ای تبدیل نموده است.

ـ استفاده از آیات، بدون استناد به منابع تفسیری و دیدگاه‌های مفسران، موجب ضعف استدلال شده است. وی گرچه از تفاسیری همچون مجمع البیان طبرسی، انوار التنزیل بیضاوی، لباب التأویل خازن و مدارک التنزیل نَسفی بهره می‌برد، اما این استفاده، برای نقد دیدگاه‌های مفسران است. این عدم بهره‌مندی از دیدگاه‌های مفسران، بر مبنای اختصاصی نظیره زین‌الدین استوار است که به فهم شخصی افراد از قرآن باور دارد. گویی فهم هر فردی از آیات قرآن کافی است تا او را به حقیقت کلام خدا برساند و اگر چنین باشد، دانش تفسیر و علوم وابسته به آن عبث خواهد بود؛ درحالی‌که چنین نیست و در روایات فراوانی، مسلمانان به رجوع به متخصص در زمینه تفسیر قرآن امر شده‌اند.

ـ نظیره زین‌الدین در اغلب موارد بدون ارجاع به منبع خاصی و بررسی سند و دلالت و حتی اصل صدور و جهت صدور روایات، از آنها استفاده می‌کند؛ مانند اینکه به روایت «خذوا نصف دینکم عن هذه الحمیراء» که نزد اهل‌سنت نیز اعتباری ندارد و در منابع روایی مانند صحاح وجود ندارد، استدلال می‌کند. ملا علی القاری، از عالمان حدیثی اهل‌سنت در کتاب مرقاة المفاتیح پس از ذکر این روایت می‌نویسد: ابن‌حجر عسقلانی گوید: اسنادی برای این حدیث نمی‌شناسم و آن را در هیچ کتاب حدیثی ندیدم. تنها در النهایه ابن‌اثیر آمده و ذکر نشده از کجا نقل گردیده است و عمادالدین‌بن‌کثیر نیز گوید از مزی و ذهبی در مورد حدیث پرسیده است، اما آنها آن را نشناخته‌اند (القاری، ۱۴۲۲، ج۱، ص۳۳۸). ازاین‌رو هر ادعایی بر اساس این روایت اثبات شود، باطل است؛ زیرا مستند آن اشکال دارد و مورد قبول نیست.

ـ استفاده منفعلانه از برخوردها و سخنان غربیان، البته با روش جانبدارانه و گزینشی که مصطفی غلائینی به آن اشاره کرده و در برابر مطالب نویسنده، موارد نقضی از سخنان و رفتار غربی‌ها نسبت به زنان می‌آورد.

ـ خطاب‌های عوامانه و خشم‌آلود به مردان مسلمان و به طور خاص علما و فقهای مسلمان لبنان و مصر، مانند «آیا سخن استوارت میل در دلت اثر نمی‌کند و آیا چشمه‌ای از سخن او به دل تو سرازیر نمی‌شود تا حقوق ازدست‌رفته همسرت را ـ که کمترین آن تسلیم به توان عقلی و دینی اوست ـ به او بازگردانی؟!» یا «تو (ای مرد) با زن از روح واحد آفریده شده‌ای، پس چرا خودت را فطرتاً ازنظر عقلی از زن کامل‌تر می‌خوانی؟ خداوند زن را در سن نُه سالگی به تکالیف شرعی مکلف می‌گرداند و آن تکالیف را در سن دوازده سالگی بر مرد واجب می‌گرداند. آیا این امر نشانگر این نیست که خداوند عقل زن را کامل می‌کند قبل از اینکه عقل مرد را کامل کند؟» یا «او مادر توست که نور را به تو نشان داد و اینک، تو او را ناقص‌العقل می‌دانی؟!» (زین‌الدین، ۱۹۲۸، ص۱۳۶).

ـ استفاده از الفاظ و تعابیر تحقیرآمیز مانند مغالطه، تضلیل، بطر الحق، و غمط الخلق به هنگام نقد سخنان غلائینی. وی این تعابیر را در حالی به کار می‌برد که در ابتدای سخن، وی را الشیخ الزعیم خطاب می‌کند. (همان، ص۱۴۷). نظیره زین‌الدین سلاح غلائینی را مغالطه دانسته و معتقد است وی با شتاب و در حالت غیظ و غضب به نگارش نقد کتاب السفور و الحجاب پرداخته است و همین امر، منجر به عدم موفقیت او شده و وی را از دایره مناظره و نزاهت خارج ساخته است (همان، ص۱۴۶).

ـ استناد به شنیده‌های بدون مدرک نیز ازجمله اشکالات او در مستندات است. وی خطاب به غلائینی می‌نویسد: از اکثر همراهان و یاران شما شنیدم که گفته بودید: اگر آنسة زین‌الدین در کتاب السفور و الحجاب متعرض من نشده بود، من اولین کسی بودم که پرچم نهضت او را بالا می‌بردم، اما اکنون نه» (همان، ص۱۴۷).

۲ـ۲ـ۳ـ۴. اشکالات محتوایی

در محتوای ادعایی نظیره زین‌الدین نیز اشکالات قابل‌توجهی دیده می‌شود. تناقض، تضاد و استفاده از مقدمات غیرمنطقی برای اخذ نتیجه منطقی و مغالطات، از این جمله است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- نظیره زین‌الدین ابتدا عقل را از مقوله روح دانسته است و به مردان تأکید می‌کند که شما قادر نیستید امر پنهانی مثل عقل مرد را برتر از زن بدانید؛ زیرا خداوند فرمود: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء:۸۵). وی بر اساس نظر غزالی، عقل را روح انسان و نفس و حقیقت او دانسته است و سپس اقرار می‌کند قابل شناخت و ترجیح نیست (غزالی، ۱۹۹۰، ص۴۴ـ۵۹).
- وی از یک‌سو رجحان دادن عقل زن و مرد بر یکدیگر را خارج از توان و وظیفه خود می‌بیند و لازمه عدل و اعتدال و برابری را همانندی زن و مرد در عقل و جایگاه انسانی می‌داند (زین‌الدین، ۱۹۲۸، ص۸۵ـ۸۶)، اما چند سطر بعد، برتری عقلی و روحی زن را بر مرد اثبات می‌کند. البته وی مباحثه مستقیم با مرد بر سر این مسئله را بی‌فایده می‌بیند و برای وا داشتن مرد به اذعان به حق، راه مناسب را اثبات دو قضیه مشابه و استفاده از آن دو قضیه به‌عنوان مقدمات قیاس و استحصال نتیجه‌ای می‌داند که مرد راهی جز اقرار به آن نخواهد داشت.
- وی از یک‌سو معتقد است مصلحت و شرافت امت اسلامی بر این نیست که نیمی از آن امت، عقل و دینشان ناقص باشد و مصلحت نیست که یک مرد، مادر، دختر، خواهر و همسرش را ناقص بخواند. کسی نمی‌تواند زن را از نور روحانی (عقل) محروم بدارد (همان، ص۷۷) و از دیگر سو، پس از اثبات کامل‌تر بودن عقل زن نسبت به مرد که نتیجه‌اش نقص عقل مرد نسبت به زن است، بحثی از مصلحت و شرافت جامعه اسلامی نمی‌کند که نیمی از امت (مردان) را در عقل و دین ناقص بداند.
- وی از یک‌سو به مردان خرده می‌گیرد که چگونه مادر و همسر و دختران خود را ناقص می‌دانند و از دیگر سو، خود با ادعای برتری عقل زنان بر مردان، با همین چالش در مورد پدر و برادر خویش (و همسر و پسرانی که در آینده خواهد داشت) مواجه می‌شود؛ گرچه در ابتدای کتاب، پدرش را از دیگر مردان مستثنی می‌داند (همان، ص۷۶).

مهم‌ترین ردیّه بر ادعای نظیره را شیخ مصطفی غلائینی نگاشته است. وی در ابتدای نقد خود، آرای نظیره را سفسطه می‌داند، نه برهان. او معتقد است مباحث علمی را نمی‌توان با ذوق

شعری و خطابه بحث کرد و حقیقت با سطحی‌نگری و بافتن اباطیل اثبات نخواهد شد و نیاز به بررسی‌های علمی و روشمند دارد (غلائینی، ۱۹۲۸، ص۹۹). البته نظیره در کتاب الفتاه و الشیوخ، این ادعای غلائینی را نمی‌پذیرد و این مطلب را با حدیثی طولانی از امام صادق علیه‌السلام از کتاب الکافی کلینی رد می‌کند (زین‌الدین، ۱۹۲۹، ص۴۱۸). غلائینی در پاسخ به زین‌الدین، از همان آغاز، او را به پیش‌داوری درباره مقایسه عقل مرد و زن متهم می‌کند و شگفت‌تر اینکه در درستی انتساب آن نوشته به زین‌الدین تردید می‌کند. غلائینی در آغاز پاسخ خویش، او را «آنسه» (دوشیزه) خطاب می‌کند و می‌گوید: ای دوشیزه! حکمی که تو یا کسی که کتاب تو را در باب ترجیح عقل زن بر مرد، تألیف کرده، پریشان است. (غلائینی، ۱۹۲۸، ص۹۹_۱۰۰)

استدلال نظیره زین‌الدین برای اثبات رجحان عقل زن بر مرد ضعیف است، اما پاسخ‌های غلائینی نیز هم به لحاظ محتوا و هم روش نقد، خالی از اشکالات نیست. دقت در نوع گفت‌وگوی نظیره زین‌الدین و غلائینی نمایانگر دو تفکر کاملاً متفاوت در اوایل قرن بیستم در جهان عرب است. از سویی نظیره با ایجاد ارتباط بین بی‌حجابی و پیشرفت، حجاب را مانع پیشرفت زنان دانسته و قائل به برتری عقل زنان است و غلائینی با تأکید بر دیدگاه سنتی، خانه‌نشینی زنان را مطرح کرده و عقل زن را منحصر به امور خاص زنانه دانسته و معتقد است اشتغال زن مانع از انجام وظیفه اصلی او که پرورش فرزند است خواهد شد.

عبدالقادر مغربی در نقد ادعای نظیره می‌نویسد: صاحب کتاب السفور و الحجاب معتقد است در شرع مواردی وجود دارد که دلالت بر کمال عقل زن بر مرد می‌کند؛ ازجمله سن تکلیف. ازنظر مغربی، نظیره باید متعرض حدیث بخاری می‌شد که پیامبر، زن را در دین و عقل ناقص می‌داند و باید این حدیث را تفسیر می‌کرد و سپس ادعایش را می‌آورد. وی نقص عقل زنان را در حجاب و عدم تعلیم آنان می‌داند (مغربی، ۱۳۴۷، ص۵۰۶). لازم به ذکر است که روایات مذکور گرچه در منابع مهم اهل‌سنت و شیعه آمده‌اند، اما به لحاظ سند، دلالت و نیز عدم تطابق با سیره نبوی مخدوش هستند (طیبی، ۱۳۹۵، ص۷۵_۹۴).

مغربی همچنین به برداشت‌های اشتباه نظیره اشاره می‌کند و می‌نویسد: وی در صفحه ۲۰۶ کتابش، به کلام امام علی علیه‌السلام استشهاد کرده است که: «ما اشتبه علیک علمه... ما ایقنت بطیب

وجوهـه...» (نهج البلاغـه، نامـه ۴۵). مغربی در این زمینه می‌گوید: این سـخن، دلیلی اسـت بر اینکه هرآنچه از مسائل علمی نیست را دور اندازید؛ درحالی‌که امام علی ﷺ این سخن را به ابن‌حنیف گفته و منظورش دوری از طعام شـبهه‌ناک اسـت (مغربی، ۱۳۴۷، ص۵۰۷). مفسـران نهج البلاغه نیز عبـارت علمـه را به علم به حلال و حـرام بودن طعامی زده‌اند که عثمان‌بن‌حنیف به آنجا دعوت شده بود.

مسـئله تنصیف شـهادت زنان نسـبت به مردان به ترتیب در سـوره‌های بقره:۲۸۲، نساء:۱۵، مائـده:۲؛ نـور:۴ و ۱۳ و طـلاق:۲ آمـده و کامل‌تریـن آیـه در سـوره بقره اسـت. خداونـد می‌فرماید: ﴿... وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾؛ «و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حقّ) شاهد بگیرید! و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسـانی که مورد رضایت و اطمینان شـما هسـتند، انتخاب کنید! (و این دو زن باید باهم شـاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند...» (بقره:۲۸۲). گرچه برخی از مفسـران بر این اعتقادند که گواهی دو زن و یک مرد در صورتی مورد قبول واقع می‌شود که دو مرد عادل وجود نداشته باشند و در صورت وجود دو مرد، گواهی آن دو قبول است و گواهی دو زن و یک مرد تأثیری ندارد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج۳، ص۲۹۱؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۵، ص۲۹۷ و راوندی، بی‌تا، ج۱، ص۳۹۹)، اما در سیاق قرآن کریم چنین مطلبی دیده نمی‌شود. رشید رضا پس از بیان دیدگاه‌های متعدد و اینکه برخی معتقدند ناقص‌العقل و ناقص‌الایمان بودن زنان سبب شده است که آنان در معرض خطا و فراموشی قرار گیرند و ارزش شهادتشان نصف شهادت مرد به حساب آید و برخی دیگر هم علت آن را غلبه رطوبت بر مزاج زنان دانسته‌اند که نتیجه آن، کم‌حافظگی و سـرعت فراموشـی اسـت، وی در پایان نظر خویش را بیان می‌کند و می‌گوید: اینها توجیه درستی نیست. علت صحیح این امر این است که شأن زن، اشتغال به معاملات و امور مالی نیست و لذا حافظه او در این زمینه ضعیف است (رشید رضا، ۱۴۲۳، ج۳، ص۱۰۹ـ۱۱۰).

نکتـه قابل‌توجـه اینکه سـبب نابرابری شـهادت مرد و زن در آیه مذکور، با عبارت ﴿أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾ به تصریح بیان شـده و دلیل آن را گسـترده‌نگری زنان دانسـته است که گاه موجب فراموشی جزئیات مورد مشاهده می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

جریان نواندیشی و نوفهمی دینی در مطالعات زنان در جامعه عرب معاصر، از قرن نوزدهم آغاز شد و تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت و متفکران زیادی با آثار خود نهضت تجددگرایی در این عرصه را ایجاد کردند. نظیره زین‌الدین در امتداد این حرکت قرار گرفت و با نگارش دو کتاب و سخنرانی‌هایی به کشف حجاب به‌عنوان راهکار برون‌رفت از عقب‌ماندگی زنان پرداخت و ایده کمال عقل زنان نسبت به مردان را به‌عنوان مبحث مقدماتی حجاب با جدیّت مطرح کرد. پس از نگارش و انتشار آثار نظیره در ابتدای قرن بیستم که جریان نواندیشی به‌واسطه دیدگاه‌های حسن البنا و اخوان المسلمین دچار ایستایی شده بود، به دلیل رویارویی علما و فقهای زمانه و نقدهای تند آنان به نظیره، آثار و اندیشه‌های وی چندان جریان‌ساز نماند و تنها در همان سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ شاهد نقدهایی از سوی مخالفان و تأییدهایی از سوی موافقان ایده‌های او هستیم. در نوشتار حاضر، به دیدگاه خاص نظیره در مورد برتری عقل زنان بر مردان در کتاب السفور و الحجاب پرداخته و اشکالات روشی و محتوایی در بیان ادعا و استدلالات وی مطرح شد. اشکالات شیخ مصطفی غلائینی، اولین و مهم‌ترین ناقد آثار نظیره زین‌الدین با ادبیات تحقیرآمیز نسبت به شخص نظیره و حتی دیگر زنان و متقابلاً پاسخ‌های نظیره با همان ادبیات توهین‌آمیز نسبت به علما و سنت‌گرایان در کتاب دوم وی، این مباحثات را باوجود مطالب مفید و قابل طرح، از چرخه آثار علمی، روشمند و جریان‌ساز مستمر، خارج ساخته است. ازاین‌رو فاصله هفتاد ساله بین چاپ اول و دوم کتاب‌های نظیره مشاهده می‌شود! بر اساس تحقیق نگارنده این مقاله، برتری عقلی، نه برای مردان و نه زنان قابل اثبات نیست و روایات دربردارنده موضوع نقص عقل زنان، به لحاظ سند، دلالت، اصل صدور و عدم تطابق با قرآن، سیره نبوی ﷺ و سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام از اعتبار ساقط است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) فارسی

۱. اتاشی، زیدان (۱۳۸۲ش)، دروزی‌ها در اسرائیل؛ سرنوشتی مشترک، ترجمه: کیومرث جاویدنیا و سجاد سلطان‌زاده، تهران: بی‌نا.

۲. ایمانی، علیرضا (۱۳۸۰ش)، اسماعیلیه، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

۳. بانوی ایرانی (امین)، نصرت بیگم (بی‌تا)، مخزن العرفان در علوم قرآن، اصفهان: ثقفی.

۴. پزشکی، محمد (۱۳۸۹ش)، صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام، قم: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۵. طیبی، ناهید (۱۳۸۰ش)، زندگانی بانوی ایرانی، زیر نظر: بانو علویه همایونی، قم: نشر سابقون.

۶. ـــــــــ (۱۳۹۷ش)، «بررسی مقایسه‌ای آرای بانو امین (م۱۹۸۳) و نظیره زین‌الدین (م۱۹۷۶) در مسئله تفاوت عقل زنان و مردان (دیدگاه فراجنسیتی و جنسیتی)»، ارائه‌شده در چهارمین کنگره بین‌المللی بزرگداشت مقام علمی و معنوی بانو مجتهده امین ﷺ، مشهد مقدس.

۷. ـــــــــ (۱۳۹۵ش)، «بازپژوهی دیدگاه امام علی ﷺ درباره عقل زنان با تأکید بر خطبه ۸۰ نهج البلاغه»، دوفصلنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ش۵، ص۹۴_۷۵.

۸. عامری، پردیس و حمیدی، فریده (۱۳۹۵ش)، «نسبت دیدگاه نواندیشان معاصر دینی با توسعه جنسیتی؛ تحلیل و مقایسه آرای قاسم امین و نظیره زین‌الدین درباره زنان»، دوفصلنامه ادیان و عرفان، سال ۴۹، ش۲، ص۲۱۱_۲۳۲.

۹. عباسی، مهرداد؛ زرسازان، عاطفه؛ اسودی، علی و قیدار، مریم (۱۴۰۰ش)، «توصیف و تحلیل نظریات قرآنی نظیره زین‌الدین در مسئله حجاب»، نشریه کتاب قیم، دوره ۱۱، ش۱۵، ص۱۴۷_۱۶۶.

۱۰. نجلا، ابوعزالدین (۱۳۷۲ش)، تحقیقی جدید در تاریخ، مذهب و جامعه دروزیان، ترجمه: احمد انمایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ب) عربی

۱. ابن‌قتیبه دینوری، أبومحمد عبدالله‌بن‌مسلم (۱۴۱۰ق)، الإمامة و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق: علي شیري، بیروت: دار الأضواء.

۲. امین، قاسم. (۲۰۰۴). تحریر المرأة، قاهره، مکتبه الآداب.

۳. ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵ش)، الغارات، تصحیح: جلال‌الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.

۴. جردی نویهض، نادیا (۱۹۸۶م)، نساء من بلادی، بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.

۵. جوهری، عایده (۲۰۰۷م)، رمزیة الحجاب؛ مفاهیم و دلالات، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۶. حمدان، سلیم عبدالامیر (بی‌تا)، المدینه و الحجاب، بیروت: مطابع قوزیا.
۷. خطیب، محمد احمد (۱۹۸۹م)، عقیدة الدروز، ریاض: دار العالم الکتب.
۸. راوندی، سعیدبن‌هبه‌الله (بی‌تا)، فقه القرآن، قم: مکتبة آیة‌الله مرعشی نجفی.
۹. رشید رضا، سید محمد (۱۴۲۳ق)، تفسیر القرآن العظیم المعروف بتفسیر المنار، تصحیح: سمیر مصطفي، بیروت: دار احیاء التراث العربي.
۱۰. زین‌الدین، نظیره (۱۹۲۸م)، السفور و الحجاب، مقدمه: بثینة شعبان، بیروت: مطبعة قوزما.
۱۱. ـــــــــ (۱۹۲۹م)، الفتاة و الشیوخ (نظرات و مناظرات فی السفور و الحجاب و تحریر العقل و تحریر المرأة و التجدد الاجتماعی فی العالم الاسلامی)، بیروت: چاپ الامیرکانیة.
۱۲. شیخ صدوق، محمدبن‌علی (۱۳۶۲ش)، کتاب الخصال، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. شیخ مفید، محمدبن‌محمد (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: الموتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۱۴. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم (۱۴۱۵ق). المسترشد في إمامة عليّ‌بن‌أبی‌طالب ﷺ، قم: کوشانپور.
۱۵. غلائینی، مصطفی (۱۹۲۸م)، نظرات فی کتاب السفور و الحجاب المنسوب الی الآنسة نظیرة زین‌الدین، بیروت: مطبعة قوزما.
۱۶. القاری، ملاعلی‌بن‌سلطان محمد (۱۴۲۲ق)، مرقاة المفاتیح، بیروت. دار الکتب العلمیة.
۱۷. قرطبی، محمدبن‌احمد (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحکام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. مغربی، عبدالقادر (۱۳۴۷ش)، «حدیثة؛ کتاب السفور و الحجاب»، دمشق: مجمع اللغة العربیة بدمشق، ص۵۰۱ـ۵۱۲.
۱۹. موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا (۱۴۰۵ق)، کتاب الشهادات، قم: مطبعه سید الشهداء.

ج) انگلیسی

20. Nikki (2012), Women in the Middle East: Past and Present. Princeton Keddie Princeton University Press. Cooke.
21. Miriam (2010), Nazira Zeineddine: A Pioneer of Islamic Feminism. London. (2010 UK: Oneworld Publications.